بررسی شیوه‌های جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی از منظر حقوق افغانستان

سید حسن مبارز[1]

چکیده

امروزه باتوجه به گسترش تجارت و تعاملات تجاری از یک سو و به تبع توسعه صنعت حمل و نقل از دیگر سو، حوادث ناشی از حمل و نقل رو به فزونی است؛ براین پایه، سالیانه حوادث مختلفی در این حوزه رخ می‌دهند که اشخاص زیادی را متضرر می‌سازند؛ از این رو، نظام‌های حقوقی جهان به طور عام و نظام حقوقی افغانستان به طور خاص، قوانین و قواعدی را برای تنظیم و ضابطه‌مندی صنعت حمل و نقل مقرر نموده‌اند تا از یک سو، مانع بروز حوادث و در نتیجه خسارت به اشخاص شود و از دیگر سو، در صورت بروز حوادث ترافیکی بتوان خسارت اشخاص متضرر را جبران نمود؛ یکی از مسائل مهم در حوزه مسئولیت های ناشی از حوادث ترافیکی، بحث شیوه‌های جبران این خسارات می‌باشد؛ به این معنا که کدام نوع خسارت – مادی یا معنوی- قابل مطالبه است و نحوه جبران این خسارت‌ها چگونه می باشد؛ پژوهش حاضر موضوع را با روش تحلیلی - توصیف به بحث گرفته است؛ یافته تحقیق این است که باتوجه به مواد قانونی ناظر به حوزه مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، می توان گفت برپایه این قوانین، کلیه خسارت‌های وارده قابل جبران اند و از دیگر سو، شیوه های جبران خسارت نیز همان روش‌های متداول در نظام مسؤلیت مدنی می باشند؛ مانند جبران به عین، جبران به معادل که هرکدام در مواد مختلف قانونی و اصول حقوقی مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: خسارت، مسؤلیت مدنی، حوادث، شیوه، حقوق افغانستان.

---

[1]. دانشجویی دکتری حقوق خصوصی(mobarez_abt@yahoo.com)

مقدمه

اصل لزوم جران خسارت از اصولی است که هم در نظام کلان مسئوولیت مدنی افغانستان مورد تأکید و شناسایی قرارگرفته، هم در قوانین مرتبط با حوادث ترافیکی از آن سخن به میان آمده است. براین اساس، قانونگذاردر ماده ۷۷۶ ق.م آورده است:« هرگاه به اثر خطا و یا تقصیر ضرری به غیر عاید گردد مرتکب به جبران خساره مکلف می باشد» ماده ۷۷۷ ق.م آمده است: « هرنوع تعدی ای که از آن ضرری به غیر از اضرار مندرج مواد فوق به شخص دیگری عاید گردد، مرتکب به جبران خساره مکلف می باشد»؛ براساس این مواد، فاعل زیان مکلف است که خسارات و زیان های وارده را جبران نماید و هیچ زیانی نباید بدون جبران باقی بماند؛ قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی نیز براین امر تأکید دارند؛ ازاین‌رو در ماده ۴۶ ق.ت.ج آمده است: « هرگاه به اثر تخلف از احکام این قانون و مقررات ترافیکی توسط یک واسطه نقلیه بالای جاده عامه شخصی هلاک، مجروح و یا از نظر مالی خساره‌مند شود متخلف علاوه بر مجازات مندرج این قانون به پرداخت جبران خسارت مکلف می‌گردد». طبق این ماده، فاعل زیان ملزم به جبران خسارات وارده می باشد. گرچه اصل لزوم جبران خسارت در نظام مسؤلیت مدنی افغانستان مورد تأکید است؛ اما منطق و اصول حقوقی ایجاب می کنند که جبران خسارت ضابطه‌مند باشد؛ یعنی مشخص باشد که چه زیان‌های قابل جبران می باشد؛ آیا اصل لزوم جبران خسارت فقط ناظر به خسارت‌های مادی است یا اینکه خسارت معنوی نیز قابل مطالبه می باشد؛ پژوهش حاضر در

صدد بررسی این موضوع می‌باشد؛ از این رو، بحث را طی سه گفتار پی گرفته است.

۱.مفهوم شناسی

۱-۱.مفهوم ضرر

هر گاه به صورت ناروا و ناخواسته، کاهش و نقصانی در مال و یا منافع قطعی آن پدید آید، یا به سلامت و حیثیت شخص لطمه ای وارد شود، ضرر تحقق می یابد(باریکلو:۱۳۸۷، ۶۱). به عبارت دیگر، در ادبیات حقوقی زمانی ضرر محقق می‌گردد که مالی دچار عیب یا نقص شود و یا اینکه اموال و منافع قطعی الحصولی از بین برود و یا به سلامت و حیثیت کسی لطمه وارد گردد(داراب پور: ۱۳۸۷، ۹۹). گرچه در مواد قانونی افغانستان تعریفی از ضرر ارائه نشده است اما می‌توان گفت در این نظام هم ضرر زمانی محقق می‌گردد که به نوعی لطمه به کسی وارد گردد. حال فرق نمی کند موضوع آن مال، منافع یا حیثیت و آبروی اشخاص باشد. براین اساس است که در ماده ۷۷۴ ق.م آمده: « شخصی که مرتکب فعل مضر از قبیل قتل، جرح ، ضرب و یا دیگر انواع اذیت بر نفس گردد، به جبران خساره وارده مکلف می باشد». در این ماده قانونگذار با احصاء مصادیق ضرر و خسارت از آن سخن گفته است.

همانطوری که ملاحظه می‌گردد در این ماده، چیزی از مال و منعفت به میان نیامده است که ممکن است عده تصور کند اضرار به مال موجب مسئوولیت مدنی نمی‌گردد. اما در ماده ۷۵۸ ق.م به صراحت کلمه «مال» به کار رفته و اتلاف آن را

موجب ضمان می‌داند. براساس ماده ۷۶۸ ق.م استهلاک منافع مال مغصوب هم مسئوولیت مدنی را درپی دارد و مستهلک ملزم به جبران خسارت می‌باشد. در این راستا، ماده ۵۶۲ ک.ج آورده است: « شخصی که امنیت ترافیک جاده را طور عمدی مختل سازد و به سبب آن ضرر جانی و مالی به اشخاص عاید شود برعلاوه جبران خساره به مجازات جرم ارتکاب شده، نیز محکوم می گردد». طبق این قانون کسی که بدون توجه به ضوابط و مقررات حوزه ترافیک حادثه به بار می‌آورد و از این رهگذر، دیگران را متضرر می سازند، مسئوول جبران خسارت می‌باشند. به نظر می‌رسد، در اینجا همان معنای بیان شده از ضرر، مدنظر است. چه؛ فاعل زیان به نوعی با اختلال امنیت ترافیک، به مال و جان دیگران لطمه وارد می‌سازد و لذا مسئوول است.

۱-۲. انواع ضرر

پرواضح است که در ساحت حقوق، ضرر به اقسام مختلفی تقسیم می‌شود. گاهی اوقات، ضرر و خسارت فقط جنبه مادی و مالی دارد و در برخی مواقع نه تنها به مال و جان کسی خسارت وارد می‌آید که امور غیر مالی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در حوادث رانندگی نیز این امر متصور است؛ مثلا کسی با ارتکاب حادثه ترافیکی سبب می‌شود که یکی از نزدیکان شخص از دنیا برود؛ در این صورت علاوه بر ضرر مالی ممکن است فرد از نظر روحی و روانی هم متضرر شده باشد که باتوجه به مبانی نظری نظام مسئوولیت مدنی و اصول حاکم بر مسئوولیت مدنی، این نوع ضررها هم قابل جبران می‌باشند؛ گرچه در قوانین مرتبط با حوادث رانندگی به انواع ضرر پرداخته نشده است اما بند ۱ م ۷۷۸ ق.م

آورده است« جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می باشد»؛ بنابراین، نظام مسئوولیت مدنی کشور، ضرر معنوی را هم قابل مطالبه می‌داند؛ بنابراین، به طورکلی خسارت به معنوی و مادی تقسیم می گردد که برپایه نظام مسؤلیت مدنی افغانستان، عامل زیان باید هردو نوع آن را جبران نماید.

۲.شیوه‌های جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی

۲-۱.شیوه جبران خسارت مادی

۲-۱-۱. جبران عینی

جبران عینی در جایی مصداق پیدا می کند که مال خسارت دیده به عینه وجود داشته باشد، در این صورت مسئوول ضمن تحویل اصل مالی که مثلا براثر حوادث ترافیک آسیب دیده است، خسارات و کاستی های را که نسبت بدان حادث شده است را هم باید جبران نماید؛ چه، طبق مبانی حقوقی صرف ایراد خسارت حقی برای زیان‌دیده مبنی مطالبه خسارت پدید می آورد(کاتوزیان:۱۳۸۸، ۱۱۳). در زمینه بند ۲ ماده ۷۶۵ ق.م آورده است: « اگر ضرری به اثر عضب عاید گردد ، مرتکب بر علاوه رد عین مال مغصوبه در محل غصب، به جبران خساره نیز مکلف می باشد». گرچه شیوه‌های جبران خسارات در مواد مرتبط به ضمان قهری و قوانین مرتبط به حوادث ترافیکی مورد توجه قرار نگرفته است و قانونگذار چیزی در این مورد بیان نداشته است اما باتوجه به آن دسته از مواد قانون مدنی که مرتبط به مباحث غصب و اتلاف می باشد می توان برخی مصادیق حوزه مسایل ترافیکی را که از نظر نوع و ماهیت همساز با آن مباحث است، باتوجه مواد قانونی مزبور مورد بررسی وتحلیل قرار داد. مثلا گاها ممکن است براثر حادثه ترافیکی به شیئی گرانبها آسیب وارد

شود در این گونه موارد، ضمن لزوم استرداد اصل عین باید از لزوم جبران خسارات وارده هم سخن گفته شود. از مواد۷۶۵ و ۷۶۷ قانون مدنی در مورد غصب استفاده می شود که نظر قانونگذار افغانستان بر جبران خسارت عینی بوده است.

طبق مواد قانونی غاصب در صورت وجود عین مال مغصوبه به رد آن مکلف می باشد. بنابراین، نه غاصب می تواند مثل یاقیمت مال مغصوب را بدهد و مالک هم نمی تواند با وجود عین مال، مثل یا قیمت آن را مطالبه نماید بلکه باید همان عین را مطالبه نماید. زیرا رد عین مال، هدف مسئوولیت مدنی که اعاده متضرر به حالت قبل از خسارت می باشد، نزدیک تر است. لذا ماده ۷۶۷ مقرر می دارد:«هرگاه مال مغصوبه نزد غاصب تغییرنماید، مغصوبه منه می تواند، عین مال مغصوبه را باجبران خساره عایده یاضمان آنرا ازغاصب مطالبه نماید.». در حوزه مسئوولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی نیز این قاعده ساری و جاری است. به این معنا که اگر احیانا بر اثر بی احتیاطی، اهمال و عدم مراقبت‌های لازم حادثه‌ای رخ داد و از این رهگذر کسی از نظر مالی متضرر شد، فاعل زیان نمی تواند مال خسارت دیده را به این بهانه که خسارت را پرداخت می نماید، نزد خود نگهدارد بلکه او موظف است ضمن مسترد کردن اصل مال، خسارات وارده را هم جبران نماید.

۲-۱-۲.جبران به معادل

با اینکه در مورد غصب جبران عینی را می‌توان از بیان قانونگذار دریافت اما در موارد دیگر به نظر می رسد که جبران معادلی بیشتر ترجیح داده شده است چنان که از مواد ۷۶۶ و ماده۷۶۱ ق.م در مورد اتلاف استفاده می شود. ماده ۷۶۶ ق.م مقرر می دارد: «درصورتیکه مال مغصوبه ازطرف غاصب استهلاک گردد ویا کل یا بعضی آن نزد وی هلاک شود و یا

به سبب تعدی یا بدون تعدی وی تلف گردد، بضمان مال مغصوبه مکلف دانسته می‌شود.» در این ماده قانونگذار بدون توجه به لزوم استرداد اصل مال، سخن از ضمان مال خسارت دیده به میان می آورد که خود به نوعی تأکید براین است که رویه کلی نظام مسئوولیت مدنی بر جبران از طریق پرداخت معادل می‌باشد؛ طبق این ماده در صورتی که ما مغصوبه تلف شده باشد غاصب به جبران بدلی مکلف می باشد چنانکه در ماه ۷۶۱ در باب تلف می گوید:« «درصورت اتلاف کلی، ضمان مال طورکامل ودرصورت اتلاف جزئی، ضمان نقصانیکه برقیمت مال عاید گردیده است، برذمه تلف کننده لازم می گردد.» از این ماده به خوبی استفاده می گردد که تمایل و رغبت کلی نظام مسئوولیت مدنی افغانستان در این گونه موارد، ترجیح نظریه جبران به معادل می باشد؛ بنابراین، در مواردی که عین مال تلف شده است و یا اینکه امکان رد عین مال وجود ندارد اگرچند عین از میان نرفته باشد، برای جبران خسارت راه‌های پیش بینی شده است که یکی از روش‌های جبران خسارت پرداخت معادل مال تلف شده می‌باشد. در این روش ها تلاش بر این است که خسارت به صورت کامل جبران شود و زیاندیده احساس نماید که وضعیت به صورت پیشین بر گشته است و هیچ تغییری در موقعیت او پیش نیامده است.

این شیوه جبران خسارت با پرداختن بدل و معادل، امکان پذیر می باشد و باید معادل آنچه را که زیاندیده از دست داده است به او برگرداند و زیان دیده را در موقعیتی قرار بدهد که گویا فعل زیان بار در اموالش انجام نگرفته است و اگر عامل زیان، مرتکب اقدام زیان بار نمی شد، او هم اکنون در آن موقعیت قرار می داشت و این در صورتی ممکن است که اگر آن مال مثلی بوده است مثل پرداخت گردد واگر قیمی بوده است قیمت مال تلف شده به مالک داده شود.

قانونگـذار در مـاده ۷۶۱ ق.م آورده اسـت: « در صـورت اتـلاف کلـی ، ضـمان مـال طـور کامـل و در صـورت اتـلاف جزئـی، ضـمان نقصـانیکه بـر قیمـت مـال عایـد گردیـده اسـت، برذمـه تلـف کننـده لازم مـی گـردد». در حـوادث ترافیکـی ایـن امـر نیـز متصور اسـت، مـثلا کسـی جدیـد صـندلی هـای ماشـین خـود را عـوض کـرده امـا بـر اثـر تقصـیر دیگـری حادثـه بـه وقـوع مـی پیونـدد و از ایـن رهگـذر بخشـی از صـندلی هـای خـودرو او دچـار حادثـه مـی شـود، طبـق ایـن قـانون او مـی توانـد نسـبت بـه زیـان‌هـای وارده به صندلی‌های واسطه نقلیه اش از فاعل زیان مطالبه خسارت نماید.

۲-۱-۳.جبران به مثل

در صورتی کـه مـال تلـف شـده مثلـی باشـد، مسـئوول جبـران خسـارت بایـد مثـل آن را بـه مالـک بدهـد. گرچـه در مـاده ۷۷۹ ق.م آمـده اسـت کـه محکمـه میـزان زیـان و طریقـه وکیفیـت جبـران آن را باتوجـه بـه اوضـاع واحـوال قضـیه تعیـین خواهـد کـرد و نیـز قانونگـذار در مـاده ۷۸۱ ق.م بیـان مـی دارد: « طریقـه جبـران خسـاره بـا رعایـت احوال از طرف محکمـه تعیـین مـی گـردد، جبـران خسـاره بـه صـورت اقسـاط یـا عوایـد مرتـب پرداختـه شـده مـی‌توانـد، کـه در ایـن صـورت مکلـف سـاختن مـدیون بـه دادن تأمینـات جـواز دارد. گرچـه طبـق ایـن قـانون تعیـین شـیوه جبـران خسـارات و سـایر مـوارد در اختیـارات محکمـه قـرارداده شـده اسـت امـا دادرس نمـی توانـد بـا اختیـارات وسـیع کـه از مفـاد ایـن گونـه مـواد قـانونی کسـب مـی نمایـد، بـدون توجـه بـه اصـل عـدالت ، انصـاف و بـدون در نظـر داشـت سـایر قواعـدی کـه در قـانون آمـده اسـت، عمـل نمایـد بلکـه در ایـن مقـام بایـد نهایـت توجـه و دقـت نسـبت بـه اصـول حقـوقی پذیرفتـه شـده در نظـام مسـئوولیت مـدنی افغانسـتان نمایـد. بایـد دقـت داشـته باشـد کـه

اگـر اصـل مـال قابـل اسـترداد نیسـت امـا ماهیـت مثلـی دارد بایـد حکـم بـه جبـران خسـارت از طریـق پرداخـت مثـل مـال تلـف شـده نمایـد؛ دربنـد ۱ مـاده ۷۶۵ قـانون مـدنی آمـده اسـت « غاصـب بـه رد آنچـه غصـب نمـوده اسـت مکلـف مـی باشـد» طبـق ایـن مـاده قـانونی کسـی کـه مـال دیگـری غصـب کـرده، بایـد در صـورت وجـود عـین مـال آن را مسـترد نمایـد امـا در صـورتی کـه خسـارات و زیـان‌هـای بـه آن وارد آورده باشـد و یـا اینکـه اصـل عـین مـال وجـود نـدارد بایـد مثـل آن را تهیـه نمایـد و متضـرر تحویـل دهـد امـا اگـر مثلـی نباشـد بایـد قیمـت نقصـان وارده را پرداخـت کنـد(م۷۶۱ ق.م).

امـا فلسـفه تقـدم مثـل بـر قیمـت چیسـت؟ آیـا تقـدم مثـل بـر قیمـت بـا اصـل عـدالت اجتماعی بیشـتر سـازگار اسـت؟ آیـا پـرداختن مثـل بهتـر مـی توانـد موقعیـت مالـک را بـه صـورت اول برگـردان؟ برخـی از حقوقـدانان فلسـفه تقـدم مثـل بـر قیمـت را در ایـن مـی دانند که تسلیم مثل مـال تلـف شـده بهتـر مـی توانـد وضـع مالـک را بـه صـورت نخسـت در آورد و زحمـت یـافتن و خریـد مـال تلـف شـده نیـز بـر او تحمیـل نمـی شـود. در نتیجه، بـا انـدکی مسـامحه مـی تـوان دادن مثـل را وسـیله بازگردانـدن وضـع پیشـین زیـان دیـده شـمرد وآن را در زمـره ی تمهیـدهای جبـران عینـی خسـارت آورد(کاتوزیـان: ۱۳۸۷، ۵۴۱) ؛ گرچـه نظـام مسـئوولیت مـدنی افغانسـتان و قـوانین مـرتبط بـه حـوادث رانـدگی، وارد جزئیـات شـیوه‌هـای جبـران خسـارت نشـده اسـت امـا باتوجـه دکتـرین و منطق علـم حقـوق مـی تـوان گفـت ایـن مسـئله در نظـام مسـئوولیت مـدنی افغانسـتان هـم جـاری خواهـد بـود. بـه نظـر مـی رسـد یکـی از ضـعف‌هـای عمـده قانونگـذاری درنظـام تقنین افغانسـتان بـه طـور عـام و حـوزه حـوادث رانـدگی بـه صـورت اخـص، عـدم ورود

و پـرداختن بـه همـه زوایـای مسـئله مـی باشـد کـه خـود زمنیـه بسـیاری از اخـتلاف نظرهـای حقـوقی را فـراهم مـی سـازد و ایـن ضـعف، در نهایـت بعضـا موجبـات اطالـه دادرسی و دیگرمشکلات قضایی را فراهم خواهد آورد.

۲-۱-۳-۱.تعذر مثل

حال سـوال ایـن اسـت کـه اگـر هنگـام اجـرای حکـم، مثـل مـال تلـف شـده در بـازار پیدا نشود چه باید کرد آیـا مثـل تبـدیل بـه قیمـت مـی شـود ؟ یـا اینکـه مالـک بایـد صـبر نمایـد تـا اینکـه مثـل در بـازار پیـدا شـود؟ جهـت پاسـخ گـویی بـه ایـن سـوال بایـد اول علـت نایـابی مثـل بررسـی شـود، اگـر مثـل کـلا نایـاب شـود و در زمـره امـوال قیمـی درآمده باشد با توجه به مفـاد مـاد ۷۶۵ قـانون مـدنی مثـل تبـدیل بـه قیمـت مـی شـود. امـا اگر موقتـا مثـل در بـازار نایـاب شـود و دسترسـی بـه آن امکـان نداشـته باشـد آیـا در ایـن صورت نیز مثل مورد قبـل تبـدیل بـه قیمـت مـی شـود، یـا اینکـه مالـک حـق دارد قیمـت را مطالبـه کنـد؟ قـانون در ایـن مـورد ابهـام دارد؛ بـه هـر صـورت اگـر وارد کننـده زیـان، محکـوم بـه پـرداختن قیمـت شـد، ایـن پرسـش مطـرح مـی شـود کـه، معیـار قیمـت چیست؟ قیمت چه زمـان را بایـد پرداخـت نمایـد ؟ قیمـت زمـان تلـف یـا زمـان حکـم بـه پـرداختن قیمـت از سـوی دادگـاه ، قیمـت زمـان پرداخـت؟ یـا اینکـه بـالاترین قیمـت را از زمـان تلـف تـا زمـان پرداخـت بـه زیـان دیـده، بپـردازد ؟ در قـانون مـدنی و قـوانین مرتبط با حوادث رانندگی، چیـزی در ایـن مـورد بیـان نشـده اسـت امـا باتوجـه بـه اصـول حقوقی می تـوان گفـت در ایـن گونـه مـوارد بایـد تعیـین قیمـت بایـد بـه گونـه باشـد کـه سـازگارتر بـا اصـول انصـاف و عـدالت اسـت. در سـوانح رانـدگی نیـز ایـن امـر بسـیار متصـور اسـت. چـه، بـا توجـه بـه کثـرت حـوادث رانـدگی و اطالـه دادرسـی کـه در

کشور وجود دارد، ممکن است پرداخت مثل در زمان اصدار حکم ممکن نباشد. به طور مثال در حادثه ترافیکی وسایطه نقلیه با محموله دام با نژاد خاص برخورد می نماید و پرونده تشکیل می گردد بعد از چند ماه حکم با امعان نظر به مثلی بودن آنها مبنی بر پرداخت مثل صادر می گردد. اما به دلایل متعدد اقتصادی یا سیاسی امکان واردات دام با مشخصات مزبور ممکن نیست.

۲-۱-۳-۲. افزایش قیمت مثل

سوال دیگر اینکه اگر مثل در بازار پیدا شود اما قیمت آن خیلی بیشتر ازقیمت واقعی باشد در این صورت، نیز وارد کننده زیان باید مثل را تهیه کند هرچند پول بیشتری برای آن بپردازد؟ یا اینکه همان قیمت واقعی را به مالک پرداخت کند و با توجه به چند برابرشدن قیمت، حکم به تعذر مثل می شود ، حکم این صورت هم مانند آن موردی می شود که اصلا مثل پیدا نشود؟ قانون مدنی و قوانین مرتبط با حوادث ترافیکی در این صورت صراحت ندارد.

۲-۱-۳-۳. افتادن مثل از قیمت

مسئله دیگر از فروعات موضوع بحث، افتادن مثل از قیمت است اگر در زمان اجرای حکم به دادن مثل به مالک مثل از قیمت افتاده باشد، یعنی ارزش مالی خودش را از دست داده باشد در بازار قیمت نداشته باشد آیا در این صورت عامل زیان با دادن مثل بری الذمه می شود؟ یا اینصورت به حکم تعذر مثل می باشد و تبدیل به قمیت می شود؟ به طور مسلم دادن مثل کفایت نمی کند چون مالیت و ارزش ندارد بحث در باره قیمت است قیمت چه زمان را پرداخت کند؟ قانون

مدنی و قوانین مرتبط با مسئوولیت مدنی در زمینه ساکت است اما با توجه به اینکه آخرین قیمت به طور مسلم کمترین قیمت است، پرداخت آن عادلانه ومنصفانه نیست، چون عامل زیان در زمانی این مال را از مالک سلب نموده است که قیمت مثل بیشتر بوده است لذا برای جبران این بی عدالتی باید راهکاری دیگر پیدا نمود. برخی از حقوقدانان معتقدند که در این گونه موارد، واردکننده زیان باید قیمت زمان تصرف یا بالاترین قیمت را به مالک بدهد(کاتوزیان: ۱۳۸۷،ج۱، ۵۴۴).

۲-۱-٤.جبران به قیمت

درصورت که مال تلف شده قیمی باشد عامل زیان باید قیمت را به مالک بدهد بحث قیمت از چند جهت حایز اهمیت می باشد اولا پرداختن پول شایع ترین وسیله جبران خسارت است(کاتوزیان: همان)؛ ثانیا؛ به نظر می رسد تمایل رویه و عرف قضایی بر این است که خسارت با پول ارزیابی شود و محاکم نسبت به تأدیه آن تصمیم گیری نمایند. ثالثا؛ امروزه قیمت اشیا به دلایل گوناگون ثابت نمی باشد بلکه دائما درحال تغییر وتبدیل می باشد، همواره قیمت ها دچار نوسانات است، به ندرت اتفاق می افتد که قیمت چیزی به مدت چند ماه ثابت باشد. لذا این سوال که قیمت چه زمان ملاک است؟ از آنجایی که در قانون به صراحت نیامده است، معیار قیمت زمان تلف می باشد یا قیمت زمان حکم دادگاه یا قیمت زمان پرداخت ؟ برخی از حقوقدانان، قیمت زمان تلف را معیار دانسته است و درصورتیکه مال تلف شده قیمی باشد قیمت آن در زمان تلف تقویم می گردد و به مالک آن داده پرداخت می شود اگرچه در زمان تأدیه چندین برابر ترقی و یا تنزل نموده باشد(امامی: ۱۳۸۷، ج۱، ۴۱۰).

به نظرمی رسد، این پاسخ با در نظر گرفتن مشکلات بیان شده در بسیاری از موارد ناعادلانه باشد؛ زیرا با افزایش تورم امکان ندارد با قیمت زمان تلف همان جنس را تهیه نمود و این خلاف عدالت اجتماعی است این حکم بر خلاف روح قانون می باشد که برای حمایت از زیاندیدگان به تصویب رسیده است مخصوصا اگر عامل زیان به عمد خسارت واردکرده باشد، یا عدوانا برمال مسلط شده باشد.از آنجایی که در مواد قانونی افغانستان چیزی به صراحت به این موارد اختصاص نیافته می‌توان گفت، منطق حقوقی و عدالت اقتضا دارد که در این گونه موارد به گونه مشی شود که از یک سو، حقوق زیان دیده، احیاء شود و از دیگرسو، به عامل‌زیان هم ظلم و تعدی نگردد؛ حال سول این که چرا در مورد مثلی اگر متعذر باشد قیمت زمان پرداخت معتبر است اما در قیمی قیمت زمان تلف؟ این پاسخ که در مثلی تا پرداخت نکرده است مسئوول پرداخت مثل می باشد اما در قیمی همان زمانی که تلف کرده قیمت در ذمه عامل زیان می آید، کافی نیست چون وارد کننده زیان مسئوول ارزش مالی آن نیز می باشد ، چطور در صورت افتادن مثل از قیمت چون ارزش مالی خودش را از دست داده بود تبدیل به قیمت می شد؛ برخی از حقوقدانان(کاتوزیان: پیشین، ۵۴۶) دیگر با امعان نظر به این انتقادات، اظهارمی‌دارند؛ دینی که در اثر حادثه زیانبار به عهدی مسئو ل آن قرار می گیرد، تعهد به ارزش است نه به پول، زیرا هدف از مسئوولیت جبران خسارت است نه افزودن مبلغی پول بر دارایی زیان دیده ، به همین جهت است که تحول و تغییر میزان واقعی خسارت در مقدار پول معادل آن مؤثر است، همچنان که تغییر ارزش پول و قدرت خرید آن در ایجاد این معادله اثر دارد. البته زیان‌های مالی ناشی از حوادث رانندگی ممکن است همانند سایر مواد دارای جنبه و ابعاد مختلفی باشد(جمعی از نویسندگان: ۱۳۹۵،۶۴۳) که در اینجا مجال پرداختن به همه آن حوزه نمی‌باشد.

۲-۲.شیوه جبران خسارات معنوی

جبران ضرر و خسارت منحصر به ضرر مادی نیست امروز جبران خسارت در ضررهای معنوی از هر زمان دیگر بیشتر احساس می شود لذا علیرغم اشکالات بسیاری که به قابل جبران بودن خسارات معنوی از طرف دانشمندان حقوق مطرح شده است، در قانون مورد پذیرش و قبول قرار گرفته است. دربند ۱ماده ۷۷۸ مدنی آمده است: « جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می باشد». ماده ۷۷۴ ق.م نیز به نوعی ناظر به لزوم جبران خسارت معنوی می‌باشد در آن جا که بیان می دارد: « شخصی که مرتکب فعل مضر از قبیل قتل، جرح، ضرب و یا دیگر انواع اذیت بر نفس گردد، به جبران خسارت وارده مکلف می باشد». هرچند کلمه« اذیت نفس» بیشتر به خسارت های بدنی و جسمی صراحت و نظارت دارد اما از آنجای که در برخی موارد صدمات به نفس لطمه‌ای شخصیتی را هم در پی دارد و با امعان نظر به اینکه در نظام مسئوولیت اصل لزوم جبران خسارت از اصول بنیادین و اساسی می توان گفت، خسارت معنوی هم قابل جبران و مطالبه است. گرچه درخصوص شیوه های جبران خسارت و راههای عملی آن نصوص صریح و قابل اجرای وجود ندارد اما با توجه به اصول و قواعد حوزه مسئوولیت مدنی می‌توان این فقدان را حل کرد(افشار: ۱۳۹۴، ۱۱۷)؛ اما سوال اساسی این است که شیوه جبران خسارت معنوی چگونه می باشد؟ برای دریافت پاسخ صحیح باید نوع خسارت معنوی مورد بررسی قرار بگیرد و ارزیابی شود که چطور زیاندیده به حیثیت قبل از ورود ضرر بر می گردد، به همین جهت در قانون مدنی نحوه جبران خسارت معنوی را با توجه به اوضاع و احوال به نظر قاضی موکل نموده است. در این زمینه قانونگذار آورده است: « طریقه جبران خساره با رعایت احوال از طرف محکمه تعیین می گردد، جبران خساره به صورت اقساط یا عواید مرتب پرداخته شده می‌تواند، که در این صورت مکلف ساختن

مدیون به دادن تأمینات جواز دارد» طبق این ماده قانونی محاکم باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال می توانند نحوه و میزان خسارات را تعیین نماید. به نظر می رسد با توجه به اینکه که در قواعد مربوط به حوادث ترافیکی چیزی در باب شیوه و نحوه جبران خسارت، اظهار نشده است، می‌توان گفت که این قاعده در حوزه مسئوولیت مدنی ناشی از حوادث ترافیکی هم قابل قبول باشد.

۲-۲-۱.خسارت معنوی صرف

قانونگذار کشور در مواد مختلف قانونی بر لزوم جبران خسارت‌های معنوی تأکید ورزیده است(م ۱۴ک.ج و م ۷۷۶ق.م). اما سوال بنیادین این است که آیا خسارات معنوی به طور کامل قابل جبران نیست، آیا معنویات را می توان با معیار های مادی ارزیابی کرد؟ غم از دست رفتن فرزند برای مادر چقدر ارزش مالی دارد؟ بنابراین هدف از صدور حکم به پرداخت های مالی در زیان های معنوی تأمین خرسندی های معنوی وتسکین آلام روحی است به بیان دیگر پولی که از این بابت داده می شود جبران کننده نیست، خشنود کننده است(پروین: ۱۳۷۹، ۱۷۷)؛ همانگونه که ملاحظه شد، در مواردی نوع خسارت وارده وشرایط زیاندیده یا عامل خسارت اقتضا می کند که جبران آنها به طریق غیر مالی باشد، حکم به عذرخواهی ممکن است در مورد انتشار مطالب خلاف واقع و یا استهزاء شخصی ، وسیله ی برای جبران نسبی خسارت یا تشفی خاطر وتسکین زیان دیده باشد(سلطانی نژاد: ۱۳۸۰، ۳۲۱)؛ گرچه در قانون مدنی و قوانین مربوط به حوادث ترافیکی، چیزی در مورد شیوه جبران خسارات های معنوی صرف به زبان نیاورده است و به صورت کلی، بر لزوم جبران خسارت‌های معنوی تأکید شده است اما با توجه به اصول حقوقی در حوزه مسئوولیت مدنی که در صددند زیان دیده به حالت قبل از زیان برگردد، می توان گفت در مورد جبران خسارت های معنوی هم باید به گونه‌ای عمل شود که هم مصنفانه باشد و هم اصل لزوم جبران

خسارت محقق شده‌باشد. براین اساس، قانونگذار کشور در بند ۱ ماده ۷۷۸ ق.م آورده است: « جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می باشد.» و در ماده ۷۷۷ ق.م آمده است: « هر نوع تعدی ای که از آن ضرری به غیر از اضرار مندرج مواد فوق به شخص دیگری عاید، گردد مرتکب به جبران خساره مکلف می-باشد.» طبق این مواد هرنوع ضرری باید جبران شود و از نظر نظام مسئوولیت مدنی افغانستان هر نوع تعدی و تجاوز به حقوق دیگران به نوعی مسئوولیت آور است که فاعل زیان باید نسبت به جبران خسارت اقدام نماید.

این امر را می‌توان در حوزه مسئوولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی هم بیان کرد. چه؛ در مواد قانونی مدنی به نوعی دست به تأسیس قاعده عام زده شده است. گرچه برخی از خسارات معنوی از طریق غیر مالی، قابل جبران می‌باشند مانند جایی که به آبرو و حیثیت کسی لطمه وارد شده است(عباسلو: ۱۳۹۴، ۲۴۹)؛ اما اگر در جایی، طرفین رابطه حقوقی به نوعی به جبران خسارت از طریق پرداخت مالی توافق نمایند، به نظر می رسد از نظر نظام مسئوولیت مدنی کشور منعی وجود ندارد. چه؛ آنچه مورد اهتمام قانونگذار است همانا جبران خسارت و زیان های وارده می باشد که در این مورد باتوجه به توافق طرفین محقق شده است؛ مضافا با توجه به اینکه جبران خسارات‌های معنوی به صورت حقیقی امکان ندارد و این امر سبب شده که حقوقدانان در این باب نظرگاه‌های متفاوتی مطرح کنند(احمدی: ۱۳۸۷، ۲۳) اما نظام مسئوولیت مدنی کشور با تقویم خسارات معنوی به پول، سعی کرده تا بدین جهت از آلام روحی طرف کاسته شود و به نوعی رضایت اورا جلب نماید. از این طریق سعی شده تا جلب رضایت و تسکین آلام زیان دیده محقق شود(امیری قائم مقام: ۱۳۸۵، ج۱، ۱۶۷). از آنجایی که

ضرر معنوی ناشی از تقصیر اخلاقی شخص مسئوول می باشد با جلب رضایت زیان دید یا فوت او این تقصیر مرتفع می گردد. بر این اساس است که قانونگذار در صورتی که متضرر قبل از اصدار حکم فوت نماید، انتقال خسارات معنوی را به ورثه نمی‌پذیرد. در این زمینه بنده ۳ م ۷۷۸ ق.م آورده است: « جبران خساره ناشی از ضرر معنوی به غیر انتقال نمی کند مگر اینکه مقدار آن به اساس موافقه یا حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد»

۲-۲-۲.خسارت معنوی دارای تبعات مالی

قانونگذار درماده ۴۸ق.ت.ج بیان می‌دارد: « هرگاه به اثر تخلف ازاحکام این قانون و مقررات ترافیکی توسط یک واسطه نقلیه بالالی جاده عام شخصی هلاک، مجروح و یا از نظر مالی خساره منده شود، متخلف علاوه بر مجازات مندرج این قانون به پرداخت جبران خساره مکلف می گردد». در این ماده به خسارت مالی و بدنی پرداخته است. ازآنجایی که تعیین میزان خسارت و طریقه وکیفیت جبران آن برحسب اوضاع و احوال به نوع زیان، وضعیت طرفین ، شرایط مکان و زمان برعهده دادگاه است بر حسب مورد با رعایت اوضاع و احوال دادگاه می تواند عامل خسارت معنوی را محکوم به پرداخت مبلغ معین پول به طور نقدی یا به صورت قسط یا مال معین دیگر اعم از عین ومنفعت، نماید؛ درتقویم خسارت معنوی به امور مالی باید ملاکهای گونانی چون نوع ،میزان وشدت خسارت ،نقش خسارت دیده، عامل خسارت وشخصیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی طرفین مورد توجه قرار گیرد(سطانی نژاد: پیشین، ۳۲۰)؛ براین اساس که قانونگذار کشور در ماده ۷۷۷ و ۷۷۸ این تکلیف را به عهده محاکم گذاشته است تا بتوانند با استخدام کارشناسان خبره و مبرز در جهت عدالت و انصاف گام بردارند. هرگاه خسارت واردشده غیر قابل جبران باشد و یا میزان

ضرر قابل توجه نباشد و یا زیان وارده قابل اثبات نباشد و یا این که زیاندیده لطمه های وارده بر حیثیت و اعتبار خویش را نخواهد با اعطای معادل مالی جبران کند، دادگاه حکم به جبران خسارت رسمی یا نمادین صادر می کند، در این روش زیاندیده به دنبال جبران ضرر و زیان معنوی نیست بلکه صرفا پیروزی برفاعل زیانکار راجستجو می کند(افشار: پیشین، ۱۸۵).

۲-۳.شیوه جبران خسارات بدنی

همانگونه که قبلا بیان شد از منظر نظام مسئوولیت مدنی افغانستان، هرکسی به دیگری اضرر وارد سازد تحت شرایطی مسئوول جبران خسارت می باشد(م ۷۷۶ و ۷۷۷ ق.م). یکی از انواع خسارات و زیانهای که ممکن متوجه اشخاص شود، عبارت از خسارت‌های است که بر جسم اشخاص وارد می گردد. قانون مدنی هر نوع جرح و اضرار را قابل جبران و مسئوولیت آور می‌داند. آنجا که در ماده۷۷۴ بیان می دارد: « شخصی که مرتکب فعل مضر از قبیل قتل، جرح، ضرب و یا دیگر انواع اذیت بر نفس گردد، به جبران خساره وارده مکلف می‌باشد» و در ماده ۷۷۵ پارا از این فراتر نهاد و فاعل زیان را نسبت به اشخاص ثالث هم مسئوول می‌داند و اشعار می دارد: « شخصی که به سبب جرح یا هر عملی مضر دیگر موجب قتل یا وفات شخص گردد، در برابر اشخاصی که نفقه آنها به دوش متوفی بوده و به اثر قتل یا وفات از آن محروم شده اند، به تأدیه ضمان مکلف می‌باشد» طبق این مواد قانونی، هر نوع اضرار به دیگری موجبات ضمان را فراهم می سازد.

در قوانین مربوط به حوادث رانندگی نیز قانونگذار به این مهم توجه داشت و درماده ۴۸ق.ت.ج بیان می‌دارد: « هرگاه به اثر تخلف ازاحکام این قانون و مقررات ترافیکی توسط یک واسطه نقلیه بالای جاده عام شخصی هلاک، مجروح و یا از نظر مالی خساره منده شود، متخلف علاوه بر مجازات مندرج این

قانون به پرداخت جبران خساره مکلف می گردد». ماده ۵۶۲ ک.ج نیز در این باره آورده است: « شخص که امنیت ترافیک جاده طور عمدی مختل سازد و به سبب آن ضرر جانی و مالی به اشخاص عاید شود، بر علاوه جبران خساره به مجازات ارتکاب شده، نیز محکوم می گردد». قانونگذار در بند ۲ ماده ۴۹ ق.ت.ج مصارف تداوی و خسارات مالی ناشی از حوادث را نیز قابل جبران دانسته است؛ بنابراین، اگر کسی بدون در نظر داشت سرعت مطمئنه و فاصله مناسب حرکت نماید و از این رهگذر تصادف حادث شود و اشخاصی متضرر گردد، عامل زیان بر اساس مبانی مسئوولیت مدنی و قوانین مرتبط به حوادث ترافیکی مسئوول جبران خسارات وارده اعم از معنوی و مالی، می‌باشد؛ چه، برپایه ماده ۸۰ق.س.ح. راننده واسطه نقلیه سرعت عراده خود را باید به گونه‌ای تنظیم نماید که قدرت کنترل آن را داشته باشد و از دیگرسو، رانندگان نمی‌توانند به قدری آهسته حرکت نمایند(بند ۲م ۸۰ق.س. ح.) که دیگران را به مخاطره بیندازند. لذا اگر بر اثر عدم توجه راننده به این وظایف قانونی، حادثه ترافیکی پدید آید، او مسئوول خواهد بود. زیرا با نقض تکالیف قانونی و حقوقی خود به نوعی تقصیر کرده است.

۳.نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در پژوهش حاضر سعی شد، شیوه های جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی از منظر حقوق افغانستان بررسی شود؛ باتوجه به مواد مختلف قانونی مرتبط با این حوزه و اصول حقوقی می‌توان گفت در نظام مسؤلیت مدنی افغانستان، همان شیوه های متداول در حوزه نظام مسؤلیت مدنی مورد پذیرش می باشند؛ بنابراین، عامل زیان موظف است بر پایه مبانی و اصول حاکم بر جبران‌ها، زیان دیده را به وضعیت قبل از ایراد خسارت بازگرداند؛ این مهم با پرداخت عین و معادل آن دست یافتنی است؛ براین پایه، عامل زیان ملزم است در مرحله نخست، همه خسارت‌ها را اعم از خسارت مادی، معنوی، بدنی و جسمانی، جبران

نمایـد و در صـورت وجـود عـین در خسـارت مـادی، آن را پرداخـت نمایـد و در صـورت نبـود عـین، مکلـف اسـت کـه بـا پرداخـت معـادل خسـارت را جبـران کنـد؛ خسارت هـای معنـوی نیـز باتوجـه بـه ضـوابط حـاکم در حـوزه نظـام مسـؤلیت مـدنی کـه در ایـن پـژوهش بـه تفصـیل بیـان شـد، اقـدام بـه جبـران مـی کنـد؛ گرچـه بـا تمسـک بـه مـواد عـام قـانون مـدنی و برخـی قـوانین دیگـر مـی تـوان اصـل لـزوم جبـران خسـارت و شـیوه هـای جبـران آن را اثبـات نمـود امـا شایسـته اسـت کـه قانونگـذار باتصـویب قـوانین جامع تری نـاظر بـه مسـؤلیت مـدنی ناشـی از حـوادث رانندگی، شـیوه و قلمـرو جبـران هـا را به صورت واضح مشخص نماید.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. ابهری، نوروزی، ناصر، حمید، مسئوولیت مدنی قاضی در حقوق ایران، تهران، جنگل، چ اول، ۱۳۹۰.

۲. احمدی، عبدالله، خسارات مادی قابل مطالبه در اماکن گمرکی، تهران، میزان، چ اول، ۱۳۸۷.

۳. افشار، حسن، مسئوولیت مدنی، جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران،مجد، چ اول، ۱۳۹۴.

۴. امامی ، سید حسن ، حقوق مدنی، ج ۳، تهران، اسلامیه، چ بیست و هشتم، ۱۳۸۷.

۵. امیری قائم مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۱، تهران، میزان، چ سوم، ۱۳۸۵.

۶. باریکلو، علی رضا، مسئوولیت مدنی، تهران، میزان، چ دوم، ۱۳۸۷.

۷. پروین، فرهاد، خسارت معنوی درحقوق ایران، تهران، ققنوس، چ اول، ۱۳۷۹.

۸. داراب پور، مهراب، مسئوولیت‌ها خراج از قرارداد، تهران، مجد، چ اول، ۱۳۸۷.

۹. رنجبریان، امیرحسین و دیگران؛ جانمایه بقا اجتماع، تهران، سمت، چ اول، ۱۳۹۵.

۱۰. سلطانی نژاد، هدایت الله، مسئوولیت مدنی؛ خسارت معنوی ،تهران ،نورالثقلین، چ اول، ۱۳۸۰.

۱۱. عباسلو، بختیار، مسئوولیت مدنی با نگرش تطبیقی، تهران، میزان، چ اول، ۱۳۹۴.

۱۲. .....، مسئوولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ دوم، ۱۳۸۷.

۱۳. کاتوزیان، ناصر ، نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۵

۱۴. .....، وقایع حقوقی و مسئوولیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۸.

ب. قوانین

۱۵. قانون بیمه(۱۳۸۷/۴/۱۶)

۱۶. قانون تجارت(۱۳۳۴/۹/۲۱)

۱۷. قانون ترافیک جاده ای(۱۳۶۰/۲/۲۳)

۱۸. قانون تشکیلات محاکم قوه قضائیه (۱۳۹۱/۱۰/۲۵)

۱۹. قانون تنظیم ترانسپورت(۱۳۹۶/۱۲/۱۴)

۲۰. قانون جواز رانندگی (۱۳۶۰/۱/۹)

۲۱. قانون حمایت از حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق(۱۳۸۷/۴/۳۱).

۲۲. قانون سیر و حرکت(۱۳۶۰/۱/۹)

۲۳. قانون مدنی(۱۳۵۵/۱۰/۷)